

حدوث

سرشت من جزء سیلان حدوث
پیکرم محو بیابان حدوث
آزادگی ام چو خیال بیش نیست
اختیارم در گروگان حدوث
از قیاس نتوان ره بمنزل برم
بُرد من همه در تاوان حدوث
آنچه حادث شد ، است مسبوق عدم
وجود ماغرق در جهان حدوث
نیاز به علت بارغم می کشد
هستی ام یکسریه فرمان حدوث
از ازل محکوم فنا بوده ایم
رنگ بقانیست در دکان حدوث
خلقت عالم پیچ و تاب رموز
زندگی مخلوق جریان حدوث
رنگ میراث طبعم در ماورا
ریخته سربه سردر آسمان حدوث
نازم قدرت فرا گیر او را
صنع ماده زیب دامن حدوث
قدرت دایم ، ذات قایم به ذات
هست ناظم خانه ویران حدوث
ای پیک قدیم تو به دادم برس
بشکستم از بار گران حدوث
در حدوث، خیر و شر مضمربُود
محکوم امرم در میدان حدوث

سرنوشت به نفسم نیست بی رابطه
گوی بازی تابع چوگان حدوث
دفتر اوراق کشف در مدرسه
پر از فصل و باب و عنوان حدوث
فلسفی تا کلامی در قیل و قال
پیچیده در منشاء امکان حدوث
از قدم تا حدوث جلوه دیگر است
منشاء دار عدم ، سامان حدوث
قرن ها است این کهنه مکتب را نزاع
رنگ ها ریخت نو، در دبستان حدوث
در حیرتم (عدم) از چه زاید شی؟
عقل ما گنگ است در بیان حدوث
گر بیچی بی حد درین مخصه
دل و دین دهی در توان حدوث
بیاحو حافظ از مطرب گوئیم ، می
فراخ است فروغ کهکشان حدوث
م.ش.فروغ 2015/05/22
امارات متحده عربی